

المحيط بلغة القرآن

لابوجعفر احمد بن علي بن محمد المقرئ لهقي

اللغوي الكبير من السادسة الهجرية

بإستتمام

سيد علي المملوكوتي

١٤٢٥ هـ / ١٣٨٣ شمسي

بيهي، احمد بن علي، ٤٧٠-٥٤٤ق.

BP ٦٨
/٩٤٣

المحيط بلغات القرآن / لاجعفر احمد بن علي بن محمد المقرئ البيهقي؛ باهتمام سيد علي الملكوتي - قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى (قدس سره)، الخزانة العالمية للمخطوطات الاسلامية، ١٤٢٥ق. = ٢٠٠٤م = ١٣٨٣ش.
٢٢٤ص

ISBN: 964-8179-26-3

فارسي - عربي.

فهرستويسی بر اساس اطلاعات فيبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

١. قرآن - - واژه نامه ها - - فارسي. ٢. قرآن - - صرف و نحو. ٣. قرآن - - علوم قرآني. ٤. قرآن - - مسائل لغوي. الف. ملكوتي، علي، گردآورنده. ب. كتابخانه بزرگ حضرت آيت الله العظمى مرعشي نجفي (ره). گنجینه جهانی مخطوطات اسلامي. ج. عنوان

٢٩٧/١٣٦

BP ٦٨/٩٤٣

٨٣-٢٥٣٩٠م

کتابخانه ملی ایران



المحيط بلغات القرآن

المؤلف: ابو جعفر احمد بن علي بن محمد المقرئ البيهقي (من اعلام القرن السادس الهجري)

باهتمام : سيد علي الملكوتي

الناشر: مكتبة سماحة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى

_ الخزانة العالمية للمخطوطات الاسلامية _

قم - ايران

الطبعة الاولى؛ ١٤٢٥ق/١٣٨٣ش/٢٠٠٤م

العدد: ١٠٠٠ نسخة

المطبعة: ستاره - قم

ليتوغرافيا: تيزهوش

ردمك: ٩٦٤-٨١٧٩-٢٦-٣ ISBN: 964-8179-26-3

H MAR'ASHI NAJAFI ST., Qom 37157, I.R.IRAN
TEL: + 98 251 7741970-78; FAX +98 251 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E_mail: info@marashilibrary.org

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

- نشانه‌ها و علامتهای اختصاری..... ۷
مختصات نگارشی و رسم الخطی بخش فارسی کتاب..... ۹
چگونگی آشنایی با نسخه‌ی محیط بلغات القرآن..... ۱۱

مقدمه

۴۶-۱۵

- ۱۵..... أنس با قران
۱۶..... شیوه تدوین لغات قرآن
۱۷..... فرهنگهای کهن قرآن
۱۸..... فرهنگهای قرآنی عربی به فارسی
۱۹..... تنظیم فرهنگهای قرآنی دوزبانه
۲۰..... ۱- لسان التنزیل
۲۱..... ۲- تفسیر مفردات قرآن
۲۲..... ۳- ترجمان قرآن زوزنی
۲۲..... ۴- الدرر فی التّرجمان
۲۳..... ۵. تراجم الاعاجم
۲۳..... ۶- جامع البیان در ترجمان قرآن
۲۴..... ۷- وجوه قرآن
۲۴..... ۸- المستخلص (جواهر القرآن)
۲۵..... ۹- کنز اللغات
۲۵..... ۱۰- ترجمان القرآن
۲۶..... ۱۱- ترجمان قرآن عادل
۲۶..... ۱۲- قسطاس مستقیم
۲۷..... ۱۳- فرهنگ منظوم قرآنی

٢٧ منابع فرهنگهای قرآنی
٣٤ قدمت و اصالت لسان التنزیل
٣٦ فرهنگنامه قرآنهاى مُترجم
٣٦ الف - فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی، شماره ٤
٣٧ ب - فرهنگ لغات قرآن از قرآن مترجم، مورخ ٥٥٦ هـ ق
٣٨ ج - فرهنگنامه قرآنی
٣٩ شرح حال مؤلف فرهنگ المحيط بلغات القرآن
٤١ تألیفات
٤٢ ویژگیهای فرهنگ المحيط بلغات القرآن
٤٥ نسخه خطی المحيط

متن المحيط بلغات القرآن

١٦٤ - ٤٧

٧١ فصل ١
٩٥ فصل ٢
٩٥ فى الحروف المقطعة فى اوایل السُّور
٩٩ فصل ٣
٩٩ فى خلق الانسان و صفاته
١٣٩ فصل ٤: فى الالوان
١٤١ فصل ٥: فى اسماء القربات و الأنساب
١٤٩ فصل ٦: فى الابناء و البنات
١٦١ فصل فى الصفات المتضادة

فهارس

٢٢٤ - ١٦٥

١٦٧ ١. فهرست آیات قرآنی
١٨٣ ٢. فهرست لغات قرآنی - عربی
٢٠١ ٣. فهرست واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی
٢١٣ ٤. فهرست عام
٢٢٣ ٥. کتابنامه

نشانه‌ها و علامتهای اختصاری

- ۱- ج: در متن و فهرست کتاب علامت جمع.
- ۲- جج: در متن و فهرست کتاب نشانه جمع الجمع.
- ۳- معا: در متن کتاب نشانه آن است که حرفی از کلمه دارای دو حرکت است: «الأخوة والأخوان»، ص ۴۴ و ۱۵۰.
- ۴- ثلث: در متن نشانه آن است که حرفی از کلمه دارای سه حرکت است: «الدُّرِيَّة»، ص ۱۴۷.
- ۵- [] قلاب: در متن کتاب علامت آن است که کلمه‌ای پاک شده یا محذوف است و به آن افزوده شده است.
- ۶- خف: روی کلمه علامت تخفیف حرفی از کلمه است: «زَگَرِيَان»، ص ۸۰.
- ۷-: سه نقطه نشانه آن است که کلمه یا قسمتی از متن ناخواناست یا در متن پاک شده است.

مختصات نگارشی و رسم الخطی بخش فارسی کتاب

«المحیط بلغات القرآن» تفسیر مفردات قرآن کریم، متعلق به قرن ششم است که شیوه کتابت و نگارش آن دوران را حفظ کرده است. در بازنویسی بخش فارسی متن «المحیط» و تدوین کتاب تا آنجا که سبب التباس و بدخوانی نشود شیوه املائی مؤلف یا کاتب حفظ شده است:

۱- کاف فارسی «گ» در تمام موارد ضبط کلمه‌ها با یک سرکج آمده است: یکانکی، ص ۵۵؛ آفریدکار، ص ۵۶؛ بنکاه بزرک، ص ۱۵۴.

۲- «د» آن طور که مرسوم بوده بعد از مصوت‌های بلند آ (ā)، ا (u)، ای (i) به صورت «ذ» مضبوط است: داذ، ص ۶۰؛ داذستان، ص ۶۲؛ کوزک خرد، ص ۱۳۲؛ دوزه، ص ۱۵۴.

در شیوه نگارش کتاب حاضر برای حفظ و هماهنگی رسم الخط و رعایت نگارش رایج، نوشتن «گ» و «د» به شکل معمول امروزی خود، لحاظ شده است.

۳- در بعضی از واژه‌ها صامت «د» قبل از مصوت بلند آ (ā) به صورت «ذ» مکتوب است: خذایی، ص ۵۳؛ بارخذا، ص ۶۰.

۴- گاهی «ی» نشانه حاصل مصدر در پایان کلمه‌ای که مختوم به مصوت بلند آ (ā) است با «ء» ابتر همراه است: بینائی دل، ص ۱۱۸؛ به جای بینایی دل.

- ۵- در مواردی «ی» حاصل مصدر یا «ی» الحاقی در جای خود لحاظ نشده است: بینای، ص ۱۰۹ به جای بینایی، ظاهراً اسقاط «ی» در بعضی موارد شیوه نگارش نویسنده یا تسامح کاتب است.
- ۶- تبدیل صامتِ لبی «ف» و «ب» به یکدیگر: زردبام، ص ۱۴۰ به جای زردفام؛ زفان، ص ۱۱۲ به جای زبان.
- ۷- تبدیل صامتِ لبی «پ» به «ب» بیکارکش، ص ۱۱۴ به جای بیکارکش، باداش دهنده، ص ۶۴ به جای پاداش دهنده.
- ۸- فعل جمع برای فاعل مفرد در یک مورد آمده است: گفته‌اند آن که همایون باشند بر خویشان، ص ۱۲۶.
- ۹- مطابقت صفت با موصوف جمع به تبعیت از زبانِ عربی: مردانِ بی‌زنان، ص ۱۳۳.
- ۱۰- واو معدوله در زبان فارسی از سده‌های گذشته جایگاه خاص خود را داشته و در پاره‌ای واژه‌ها چون: خورشید، خویش و خواهر^۱... کاربرد دارد. اما این «و» در این کتاب بیشتر در نوشتن لحاظ نشده است؛ خیشاوند، ص ۱۴۲؛ خیشان، ص ۱۴۲؛... اما کلمه خویشاوندان، ص ۱۲۰ در دو مورد با «و» معدوله آمده و نیز خویشی، ص ۱۴۱ با این «و» ضبط شده است.
- ۱۱- حرف اضافه «به» پیوسته متصل به کلمه بعد از خود آمده که جابه‌جا موارد آن در متن نسخه خطی به چشم می‌آید.
- ۱۲- در بعضی موارد «ء» اَبتر جانشین «ی» نشانه اضافه است: دلهاء مضطرب از بیم، ص ۱۱۷.

۱. واو معدوله در بعضی از گویشها هنوز با تلفظ خاص خود به کار می‌رود؛ از جمله در بخش قهستان قم به‌ویژه روستای بیدهند: خواهر به صورت خُور = Xuvar مستعمل است.

چگونگی آشنایی با نسخه‌ی محیط بلغات القرآن

سالها پیش به ظاهر اواسط دهه ۱۳۶۰ دوست دیرین و فاضل ارجمند آقای دکتر علی اشرف صادقی، نگارنده را به این نسخه‌ی خطی محفوظ در کتابخانه حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره الشریف ره نمود. ضمن مراجعه و درخواست عکس آن حجت‌الاسلام حاجی آقا امیر مرعشی نجفی، مدّ توفیقه فرمودند عکس نسخه در اختیار این بنده قرار گیرد که از بذل توجه ایشان سپاسگزار است.

اما این که چرا این نسخه از آن سالها که ذکرش رفت تا کنون نشر نیافته داستانی دیگر دارد که طولانی است ولی به اختصار که سبب اطاله سخن نشود بسنده می‌کند.

این نسخه سالهای متوالی دست به دست چند ناشر دولتی و غیر آن گشت، با تأسّف توفیق طبع نیافت و هر یک به معاذیری بی‌وجه از چاپ این متن با ارزش سر باز زدند. با این وجود این بنده به مصداق آیه شریفه لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ^۱ مأیوس نگشت و بر این مهم پای فشرد. سرانجام

۱. سورة الزُّمَر، ۵۳/۳۹.

به عینِ عنایت و رحمت پروردگاری نشر این کتابِ پرج را به سرور ارجمند و صدیق گرامی حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمود مرعشی نجفی مدیر گرامی و فرهنگ دوست کتابخانه معظم و منحصر به فرد حضرت آیه الله العظمی شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) پیشنهاد داد. ایشان در کمال سعه صدر و گشاده رویی و دریادلی که شیوه این خاندان جلیل القدر است و از سلف بزرگوار به خلف صالح رسیده است، درخواست نشر این نسخه ارزشمند را پذیرفتند. از الطافی که مبذول داشتند نهایت سپاس و امتنان را دارد. در کار بررسی و تصحیح متن المحیط، دوست دانشورم آقای علی محمد هنر این بنده را یاری کردند و نظر دادند که از لطف عمیمشان سپاسگزار است.

متن عربی «المحیط» بسیار روان و گویاست همراه با خط خوانا و خوش نسخ ویراستاری عربی متن را آقای محمدحسن طارمی به عهده داشتند که سعی شان مشکور باد! مشار الیه متن را یک بار خواندند و نظر خود را نوشتند که در بازنویسی آن اعمال شد هر جا که از نظر ایشان استفاده شده است برای حفظ امانت نامشان مذکور است. نگارنده به این نیز بسنده نکرد و برای اینکه متن «المحیط» در حد امکان دور از اشتباه و التباس از دید تیزبین و ژرف نگر خوانندگان گرامی درآید، از دوست فرزانه و دانشور جناب آقای دکتر محمود سرمدی درخواست که یادداشتهای این بنده را از نظر صائب و دوراندیش خود بگذرانند که با بزرگواری و سماحت پذیرفتند و این قلم را رهین منت خود ساختند.

در بازنویسی متن و تحقیق و تهیه مقدمه و فهرست جداگانه برای

واژه‌های قرآنی و فارسی و اعلام و فهرست آیه‌های قرآنی مندرج در متن، تا آنجا که امکان داشت سعی و دقت شده؛ ولی با تمام کوششی که شده است متنی است خوانندگان و پژوهندگان مطلبی را که از چشم دور مانده با عنایت و لطف خود بنگرند و با یادآوری و ارائه نظر این جانب را رهنمون باشند.

بِاللّٰهِ التَّوْفِیْقِ وَعَلِیْهِ التَّكْلَانِ

سید علی ملکوتی - دوازدهم مهر ماه ۱۳۸۲

مقدمه

أنس با قرآن

أنس و الفتی که مسلمانان از صدر اسلام با قرآن مجید یافتند هرچند در معانی آن بیشتر غور کردند، اعجاب و تحسین آنان افزونتر شد، چه از جهت فصاحت و بلاغت و چه از نظر مفاهیم عالی چیزی در آن یافتند که ادبیات عرب دوره جاهلی با آن شاعرانِ فحل و اشعارِ نغز در برابر آن وزنی نداشت. عظمت و کرامت قرآن و ابعاد متعالی آن، چنان شیفته‌شان کرد که دانایان علوم بلاغی و بیان و مفسران با همه گستردگی و تنوع کارشان از سویی و عالمان صرف و نحو و لغویان از سویی دیگر، همه به قرآن چشم دوختند و به قدر توان خویش از این منبع سرشار فیض و رحمت بهره برگرفتند.

شوق آنان به فراگیری و گوناگونی مفاهیم قرآن با همه وسعت و تعمق، علوم قرآنی را ایجاد کرد، در نتیجه فقه اللغه و معانی و بیان زبان عرب را به پاداشت و غنا و قدرت ادبیات را سبب شد. علوم قرآنی گنجینه‌ای از معارف بشری شد و حوزه‌های علوم دینی و ادبی را پی افکند، از تجلی خود نور بخشید، رواجشان داد و محور تمام علوم گشت که با عنوان

علوم قرآنی، دینی، ادبی و فلکی پایه‌های معارف اسلامی را ریخت و پابرجا کرد. هنگامی که مسلمانان به قرآن چشم باز کردند، صلاح دنیا و دین خود را در آن یافتند و «کلام وحی» زندگی مادی و معنوی آنان را فرا گرفت و به نفوذ و رسوخ معنوی آن تسلیم شدند تا افق‌هایی از نیکی و پاکی با همه بسط و بیکرانگی به‌رویشان باز شد. دنیا، دنیای روشنی، شور و شوق و صفا، پی‌آمد این همه جاذبه و کنج‌کاوی بود و هم‌تی مردانه و عالمانه که بنشینند و از این مائده آسمانی بهره بگیرند.

لغویان کنج‌کاو چون عالمان مشتاق دیگر از سر ذوق و دلدادگی به واژه واژه قرآن نظر داشتند و توجه به مفاهیم الفاظ قرآن «سنگ بنای معاجم بزرگ و مفصل گشت»^۱ که در ابتدا به صورت رساله‌های کوچک در مقوله‌های اسم، فعل و مصدر تدوین شده بود. این شور و شیفتگی به مفاهیم قرآن سبب تدوین لغت‌نامه‌هایی متعدد به زبان عربی و فرهنگ‌های دوزبانه در زبان دوم عالم اسلام، یعنی زبان فارسی گشت که به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

شیوه تدوین لغات قرآن

از بیست و پنج کتابی که به زبان عربی در این باره تدوین شده است^۲ شکل‌های گوناگون را در تدوین واژه‌های قرآن مجید می‌توان دید:

۱. تاج المصادر، به کوشش دکتر هادی عالم‌زاده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۱، ص بیست و پنج.

۲. «فهرست قدیمترین کتبی را که درباره لغات قرآن نگاشته شده در جلد اول فهرست کتابخانه دانشگاه ص ۳۳ - ۳۱ به نقل از فهرست ابن‌الندیم و دیباچه «نهایه» ابن‌اثیر و «کشف الظنون» و دیباچه «جوامع البیان» حبیب نقل کرده‌ام و مجموع آنها در حدود بیست و پنج کتاب است.» فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، علی‌نقی منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۶.

نخستین کتابی که به روش ترتیب سوره‌های قرآن تدوین شد منسوب به عبدالله بن عباس به نام «لغات القرآن»^۱ بود. کتاب دیگری که ترتیب الفبایی دارد به نام «المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب» و کتاب بعدی که براساس مواد و موضوعات مختلف لغوی، برای متوکل عباسی تنظیم یافت به نام المتوکللی بود...^۲

فرهنگهای کهن قرآن

اقبال همه‌جانبه مسلمانان به قرآن و تعمق در الفاظ و مفاهیم آن تنظیم فرهنگ قرآنی را ایجاب کرد، چه دین و دنیای آنان در گرو استنباط درست احکام و قوانین مندرج در کتاب خداوند و به کارگیری آن بود. به علاوه بنیاد فرهنگ‌نویسی عربی از جهت تاریخی و توالی آن با تدوین فرهنگ قرآنی آغاز می‌شود و شکل می‌گیرد. نخستین مطالعات و کوششهای لغوی در مورد الفاظ قرآن به نام «غریب القرآن» و «لغات القرآن» مشهور گشت.^۳ نخستین لغت‌نامه قرآنی با عنوان «لغات القرآن» همانطور که بیان شد منسوب به عبدالله بن عباس، «غریب القرآن» تألیف ابوالحسن نصر بن شمیل مازنی تمیمی^۴ از شاگردان خلیل بن احمد^۵ بود.

۱. تاج المصادر، ص ۴۰ و یک.

۲. همانجا.

۳. مقدمه تاج المصادر، ص بیست و چهار.

۴. همانجا / یازده به نقل از تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۱۳۸ - ۱۳۹.

۵. ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد فراهیدی از دی بصری (متوفی ۱۷۰ ق) واضع علم نحو و عروض و نخستین کسی که معجم عربی را به نام «کتاب العین فی اللغة» تدوین کرد... تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۸.

تفسیر «غریب القرآن» از ابو عبیده معمر بن المثنی^۱، شاگرد خلیل بن احمد بصری، «مصادر القرآن» از یحیی بن زیاد فراء^۲، «معانی القرآن» و «غریب القرآن» از اخفش اوسط، ابوالحسن سعید بن مسعدة مجاشعی^۳ شاگرد سیبویه، «کتاب مشکل القرآن» (مشکلات القرآن)، «غریب القرآن» تألیف ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری مروزی^۴ (م ۲۷۶ ق)، «مصادر القرآن» از ابراهیم بن یحیی یزیدی^۵.

فرهنگهای قرآنی عربی به فارسی

فارسی‌زبانان ظاهراً کار ترجمه و تفسیر قرآن مجید را از زمان تشرّف به دین اسلام شروع کرده بودند، اما بنا بر آنچه به گونه مکتوب به دست رسیده، بیشتر از اواسط قرن چهارم هجری به بعد سعی کردند در برابر واژه‌های قرآن معادل فارسی بگذارند، به این ترتیب ترجمه مفردات قرآن موجب تدوین فرهنگهای دوزبانه شد. این فرهنگها در دریافت معانی قرآن به فارسی‌زبانان کمک شایانی کرد، چه ایرانیان مسلمان، مشتاق آن بودند که زبان قرآن را بخوبی دریابند و محتاج آن که دستورهای آن را به کار گیرند. علاوه بر آن «بسیاری از واژه‌های فارسی که بیم فراموشی آنها می‌رفت

۱. مقدمه تاج المصادر، ص یازده.

۲. فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ص ۹.

۳. اخفش اصالتاً ایرانی و از مردم خوارزم است و شارح کتاب سیبویه - درگذشته حدود سال ۲۱۵ هـ ق - دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴. مقدمه تاج المصادر، ص ۱۳.

۵. فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ص ۱۰.

حفظ شد»^۱. تلاش لغویان برای معادل‌یابی در برابر هر واژه قرآن سبب توانمندی و گسترش زبان و ادب فارسی و مصون ماندن آن از دستبرد و فراموشی شد.

افزودنی است که رونق این معادل‌یابی در زبان فارسی و تدوین فرهنگهای دوزبانه قرآنی، با توجه به اسناد و مدارک موجود، بیشتر از قرن پنجم تا هفتم است، ولی قرون بعد تا عصر حاضر از این زمینه خالی نبوده و این کار پیوسته رواج داشته است.

تنظیم فرهنگهای قرآنی دوزبانه

تدوین این فرهنگها بیشتر به یکی از شیوه‌های زیر انجام گرفته است:

- الف. به ترتیب انواع کلمات: اسم، فعل، مصدر: ترجمان القرآن زوزنی.
 - ب. به ترتیب سوره‌های قرآن از سوره «حمد» و «بقره» تا «ناس»: المستخلص، از حافظ‌الدین محمد بن محمد بخاری ...
 - ج. عکس ترتیب سوره‌های قرآن از سوره «ناس» تا «بقره»: تراجم الاعاجم از زین‌المشایخ محمد بن ابوالقاسم خوارزمی.
 - د. به ترتیب حروف الفبا: جوامع البیان، وجوه القرآن^۲.
- این فرهنگنامه‌ها از دو دیدگاه مهم و در خور توجه‌اند:
- ۱- بینش دینی و معانی به دست داده شده، صریح، روشن و وافی به مقصود است.

۲. بینش ادبی، واژه‌های برابر قرآنی ملموس، همه‌فهم، رسا و گویاست.

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲. فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ص ۱۷.

برخی از این فرهنگهای دوزبانه در زیر می آید و پاره‌ای از ویژگیهای آن به اختصار بیان می‌شود:

۱- لسان التنزیل

از مؤلفات مهم قرن پنجم هجری و نویسنده آن ناشناس است «لغات مفرد و مرکب قرآن به فارسی روان ترجمه شده و نیز بیان اشتقاق کلمات و اشاره به مفرد و جمع بودن آنها و همچنین تنبیه بر برخی از مباحث صرفی و نحوی و بیانی نیز شده است.»^۱

این کتاب به عکس ترتیب متداول از سوره «فاتحه» و «ناس» آغاز و به «بقره» ختم می‌شود.

نویسنده فرهنگنامه عربی به فارسی این کتاب را خلاصه کتاب «المستخلص» می‌داند، که به جای دیباچه آن، مقدمه کتاب «تراجم الأعاجم» را در آغاز دارد و به جای نام «تراجم الأعاجم» نام لسان التنزیل در دیباچه آمده است.^۲

مُصَحِّح این کتاب معتقد است که اولاً این نسخه بنابه قراین، از متون قرن چهارم یا پنجم است ثانیاً احتمال این که «لسان التنزیل» پس از «تراجم الأعاجم» نوشته شده باشد بسیار بعید است، زیرا مؤلف «تراجم الأعاجم» بسیاری از لغات و ترکیبات و تعییرات «لسان التنزیل» را که صبغه قدمت داشته و در قرن ششم نامانوس بوده در کتاب خود نیاورده است.^۳

۱. لسان التنزیل، به کوشش دکتر مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵، ص ۱۴.

۲. فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، ص ۱۵۳.

۳. مقدمه لسان التنزیل، ص ۱۵ و ۱۶.